



عکس: شهریار

● **دیگر فضاهای آرامگاه**
در ضلع شمال غربی حیاط مرکزی، بنایی موسوم به گنبد سبز قرار دارد که قسمتی از مدرسه جلال‌الدین فیروزشاه است. پلان این بنا چلیپایی است و گنبدی فیروزه‌ای رنگ بر فراز آن قرار گرفته است. علاوه بر این‌ها، دو خانقاه از امیر تیمور و مدرسه‌ای از علاء‌الدین محمد فریومدی، وزیر خراسان در زمان ابوسعید ایلخانی و طغاتیمورخان، و نیز مدرسه دیگری در مقابل مدرسه فیروزشاه که توسط شخصی به نام «امیر شاه‌ملک» ساخته شده است، وجود دارد.

مسجد جامع نو در بخش غربی این مجموعه است و رواق شرقی آن با مسجد عتیق ارتباط دارد. گنبد مقصوره یکی از قسمت‌های قدیمی مسجد است که در سال ۸۴۶ قمری به وسیله جلال‌الدین فیروزشاه ساخته شده است. در کل این بخش از مجموعه آرامگاه از همه جدیدتر به نظر می‌رسد و امروز، مراسم مذهبی عمدتاً در این بخش برگزار می‌شود. مسجد عتیق هم که گفتیم امروز به مسجد جامع نو مرتبط است. فضایی شبستانی دارد با پایه‌طاق‌های آجری و طاق‌های دوطبقه که فراوانی طاق و تویزه آن، بر زیبایی‌اش افزوده است. این مسجد هم آجرکاری و گچ‌بری‌های خاص خودش را دارد. متأسفانه نخستین عکس‌هایی که از مسجد عتیق در دست است، تخریب شدید و حتی ویران شدن آن را نشان می‌دهد، اما خوشبختانه مرمت شده و امروز سرپاست و به همه فضاهای اطرافش دسترسی دارد. جلو ورودی اصلی آرامگاه و چسبیده به باغ مزار هم یک آب‌انبار و یک مسجد قرار دارد که به مسجد زیرزمین معروف است. این مسجد دو بخش زمستانی و تابستانی دارد که بخش زمستانی آن از سطح معبر پایین‌تر است. در کل، وجود چنین باغی با این قدمت در کنار مزار شیخ احمد، به بررسی‌هایی در این زمینه هم منجر شده است و بازشناسی درختان و مسیرهای اطراف آرامگاه، از وجود پلان یک باغ ایرانی حکایت می‌کند. با این تفصیل، مزار شیخ احمد جامی نمونه‌ای کم‌مانند از آرامگاه‌سازی و باغ‌مزار است که تزیینات خارق‌العاده‌اش، آن را به مجموعه‌ای شاخص در دل خراسان قدیم و در مسیر تاریخی توس به هرات تبدیل می‌کند.

*** در لغت‌نامه دهخدا، واژه «مقام» به معنای مکان خاص مهم معنی شده است.**

به هشت ضلعی و بی آن به دایره گنبد می‌رسد. تزیینات گچ‌کاری و نقاشی این بخش بنا که از پایین دیوارها تا زیر گنبد می‌رسد، بسیار دیدنی و شگفت‌انگیز است. گنبد خانه سه جفت در دارد که مربوط به قرن هشتم قمری هستند که یکی از آن‌ها تاریخ ۷۲۳ قمری را نشان می‌دهد.

● **مسجد کرمانی تربت‌جام**
در دو طرف ایوان گنبدخانه، مسجد کرمانی و مسجد گنبد سفید یا رواق قرار دارد. پشت فضای گنبدخانه، در یک سو مسجد عتیق و در سوی دیگر مسجد جامع جدید با شبستانی گنبددار واقع شده است. مسجد کرمانی جنوب گنبدخانه است و در هر ضلع آن ایوانی هست که ظاهراً فضای چله‌نشینی بوده است. در ایوان شاه‌نشین ضلع غربی مسجد، محراب گچ‌بری و نقیص آن به چشم می‌خورد که از شاهکارهای معماری قرن هشتم است. یکی از بخش‌های بسیار زیبایی معماری مجموعه آرامگاه شیخ احمد همین جاست؛ محراب گچ‌بری. محراب گچ‌بری مسجد کرمانی دو نمونه شاخص دیگر در کشور دارد که سرجمع نمونه آن‌ها یافت نمی‌شود؛ یکی محراب مسجد جامع ارومیه و دیگری محراب الجایتو در مسجد جامع اصفهان که هر دو متعلق به دوره ایلخانی هستند. محراب گچ‌بری مسجد کرمانی نیز نقوش مختلف گیاهی و خطی و هندسی پرنقش‌ونگار دارد.

مسجد کرمانی منسوب به معمار آن، خواجه‌زکی‌بن محمد بن مسعود کرمانی است. تزیینات داخل بنا شامل قوس‌های تزیینی در اطراف حجره‌ها و مقرنس‌های گچ‌بری شده است. در بالای دیوار بنا، کتیبه‌ای به خط ثلث، بنا را دور می‌زند و پس از آن مقرنس‌کاری‌های بسیار زیبایی کار شده است.

نمای خارجی مسجد کرمانی که رو به صحن اصلی مزار است، متشکل از چهار طاق نما و قاب‌های ساده‌آجری بین آن‌هاست که از این میان، دو طاق نمایی که بعد از ایوان قرار گرفته‌اند، مقرنس‌هایی با اسلوب به‌کاررفته در داخل بنا را دارند و حاشیه آن‌ها نیز دارای گچ‌بری‌هایی مثل نمونه‌های داخل بناست. درباره تاریخ ساخت این بنا نمی‌توان خیلی دقیق اظهارنظر کرد. اما احتمال قوی این است که این مسجد متعلق به نیمه دوم سده هشتم هجری قمری است.

شرقی رو به باغ قرار دارد. پس از آن حیاط مرکزی مستطیل‌شکلی است که در سمت راست آن ردیف سنگ‌قبرهای تاریخی خودنمایی می‌کند، سنگ‌قبرهایی که صرفاً برای نمایش عمومی، به‌صورت افقی و عمودی روی زمین کار شده‌اند. در امتداد این سنگ‌ها، قبر خود شیخ احمد قرار دارد که در فضای باز حیاط است. قبر شیخ احمد در گوشه حیاط است و جلوان ایوانی به‌بلندی سی متر قرار دارد. فضایی که روی قبر ساخته شده است، با ملاط‌آجر و گچ است و تقریباً پنج متر طول و دو متر عرض و یک متر ارتفاع دارد. پیرامون قبر با سنگ‌های مرمر سیاه به‌شکل ستون احاطه شده است. در قسمت میانی قبر شیخ احمد هم یک درخت بنه یا پسته کوهی قدمت‌دار قرار دارد. دو سنگ قبر سفید به‌شکل عمودی نیز سر و ته قبر را مشخص می‌کنند که روی آن‌ها کتیبه‌هایی به خط کوفی و نستعلیق نوشته شده است و با حاشیه‌های نقوش گیاهی و طرح مارپیچ و مقرنس تزیین شده‌اند، تقریباً مشابه ردیف سنگ‌های قبور که در سراسر منطقه تربت‌جام و خواف و باخرز و... بر است. روی هم‌رفته، در این منطقه تا هرات افغانستان و مزار خواجه‌عبدا... انصاری، این سبک مقبره‌سازی بسیار دیده می‌شود. ویژگی‌های بارز این سبک آرامگاه‌سازی عبارت‌اند از قرارگیری قبر مقابل عبادتگاه و خانقاه متوفی، کاشت درخت رو یا کنار قبر برای ایجاد سایه، طولیل ساختن قبر و قراردادن دو سنگ افراشته در ابتدا و انتهای قبر و...

● **شیخی که ز اهل خانقاه است**
قبر شیخ احمد درست مقابل ایوان اصلی مجموعه است که به فضای خانقاه یا گنبدخانه می‌رسد. خود ایوان تزیینات گسترده کاشی‌کاری دارد که به لطف مرمت‌های گاه‌وبیگاه دوره‌های مختلف، وضعیت خوبی دارد. اما طاق زیر ایوان که بیشتر مرمت شده، یک‌دست سفید است و پر از مقرنس‌های گچی است. براساس کتیبه‌های موجود در خانقاه، تاریخ ساخت آن به ۶۳۳ قمری و زمان خاندان آل‌کرت بازمی‌گردد، اما به‌نقل از منابع تاریخی، بنای اولیه مسجد و خانقاه در زمان خود شیخ احمد ساخته شده است و در دوره‌های بعد تزیین و بازپیرایی شده است. خانقاه شیخ احمد همین فضای گنبدخانه بوده است. گنبدخانه پلانی چهارگوش دارد که رفته‌رفته به سمت سقف،

● **شیخ‌الاسلام احمد جامی**
در میان بناهای آرامگاهی، بی‌شک مزار یا مقام * شیخ احمد جام را می‌شود جزو نمونه‌های شاخص قلمداد کرد؛ مجموعه‌ای زیبا و بزرگ که هر جای آن را بگردیم، بخشی از تاریخ معماری ایران را نمایش می‌دهد و تقریباً همه اجزای معماری سنتی ایران در آن پیداست. «مقبره شیخ جام و ملحقات آن، همان سال نخست ثبت شدن آثار ملی، یعنی سال ۱۳۱۰، ۵۲۲ ساله در فهرست آثار ملی قرار گرفت. این مجموعه در فهرست میراث جهان اسلام نیز قرار دارد. شیخ احمد جامی، عارف و شاعر و ملقب به «ژنده‌پیل» و «شیخ‌الاسلام»، سال ۴۴۱ قمری در روستای نامق، نزدیک ترشیز باستانی خراسان، در خاندانی که نژاد عرب داشتند و به ایران هجرت کرده بودند، به دنیا آمد. شیخ احمد هم عصر سلطان سنجر سلجوقی بوده است و منابع تاریخی نوشته‌اند که سلطان سلجوقی نیز احترام زیادی برای او قائل بوده است. جد اعلای او را جریر بن عبدا... بجلی، از صحابه پیامبر (ص) دانسته‌اند. تقریباً به اتفاق همه روایاتی که از شیخ احمد مانده، او ۹۶ سال عمر کرده و سال ۵۳۶ قمری درگذشته است. همین روایات، مزار او را بیرون دروازه «معدآباد» معین کرده‌اند. معدآباد در روزگار شیخ احمد دهی بوده است در نزدیکی جام که البته ذکر آن در هیچ منبعی نیست. اما بعدها بر اثر وجود آرامگاه شیخ و نفوذ خاندان و بازماندگانش و تردد زوار و واردنمندان او، روزبه‌روز بر اهمیتش افزوده شده و به تدریج جای جام را گرفته و به اسم جام که در اصل در کنار آن واقع بوده، شهرت یافته است. امروز مزار شیخ احمد در هسته مرکزی شهر تربت‌جام و چسبیده به بزرگ‌ترین فضای سبز شهر قرار دارد؛ باغی که آن هم به‌واسطه مزار جام شکل گرفته است و به باغ‌مزار یا پارک شیخ جام معروف است. مزار شیخ احمد جامی نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت فرهنگی اجتماعی شهر تربت‌جام داشته است.

● **قبر شیخ احمد جامی**
آرامگاه شیخ احمد شامل چندین بنای تاریخی است؛ مقبره شیخ، گنبدخانه، مسجد عتیق، خانقاه، سراج‌ه و مدرسه فریومدی، مسجد کرمانی، گنبد سفید، خانقاه‌های تیمور، مدرسه امیرجلال‌الدین فیروزشاه، مسجد نو و مدرسه امیرشاه، ورودی این مجموعه در ضلع



فضای خانقاه یا گنبدخانه با گچ‌بری‌های بی‌نظیرش



نمایی از مسجد جامع در مجموعه مزار شیخ احمد جام



نمونه‌ای از نقاشی‌های مجموعه مزار شیخ احمد جام



عکس ناصرالدین شاه در سفر قم و دندان‌پزشک اتریشی که توسط حسین علی عکاس گرفته شده است

قاجار ایدادر چنین حال‌وهوایی نبودند؛ مخصوصاً مظفرالدین‌شاه که به‌دلیل رعایت نکردن صحیح بهداشت فردی، به بیماری‌های گوناگون دچار بود. عین السلطنه‌اورا با پدرش مقایسه می‌کند و می‌نویسد: «در نظافت هم عکس پدرش بود. دندان‌های جلوی شاه افتاده بود. با وجودی که سالی سه‌چهار هزار تومان موجب دندان‌سازی می‌داد، هرچه کردند، دندان نگذاشت؛ وقتی که خنده می‌کرد، مثل سگ‌های پیردهانش به‌هم می‌خورد و باز می‌شد.» نکته غم‌انگیز ماجرا اینجاست که ناصرالدین‌شاه، با وجود اطلاع از اهمیت توجه به سلامت و بهداشت دهان و دندان، هیچ تلاشی برای گسترش این فرهنگ در جامعه ایرانی نکرد و ترجیح داد رعایای ایرانی، با بیماری‌های گوناگون و درد‌های جانکاهی چون «دندان درد» دست‌وپنجه نرم کنند.

را نشان‌ه تمدن می‌دانست. دندان‌ساز مخصوص، هر روز دندان‌های شاه را معاینه می‌کرد تا اگر در آن‌ها پوسیدگی مختصری باشد، برطرف کند. ناصرالدین‌شاه در سفر به فرنگ، ویزیت توسط دندان‌پزشکان دیگری را هم تجربه کرد. او در روزنامه خاطراتش، مربوط به سفر سوم، به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «حکیم‌باشی پولووزان دندان‌ساز معروف اینجا را که اسمش مسیوم‌ارتن است و از اهل فرانسه، آورد دندان ما را سیمان زد، سیمان بسیار خوبی زد، خیلی قابل دندان‌سازی است.» وی کاملاً به ویژگی‌های یک دندان‌ساز خوب واقف بود و دقیقاً می‌دانست که برای حفظ سلامت دندان‌هایش چه کاری باید انجام دهد. جالب اینجاست که پس از ناصرالدین‌شاه، دیگر شاهان

یک دندان‌پزشک سوئدی بود که در ۳۰ شهریور ۱۲۵۱ خورشیدی وارد ایران شد و مسئولیت رسیدگی به دندان‌های ناصرالدین‌شاه را برعهده گرفت و در سفر و حضر همراه وی بود؛ البته ظاهر اقبل از هیئت، دندان‌پزشکی به نام «مسیوپلو» هم به ایران آمده بود که خیلی شهرت نیافت و زوداً از ایران رفت. از هیئت تعدادی تصویر در آلبوم‌های کاخ موزه گلستان وجود دارد که امروز یکی از آن‌ها را می‌بینید؛ تصویری از آلبوم شماره ۱۵۹ که مربوط به سفر ناصرالدین‌شاه به قم در سال ۱۳۰۵ قمری (۱۲۶۷ خورشیدی) است. شاه قاجار در یادداشت‌ها، عموماً از وی با نام دندان‌ساز یاد می‌کند و در این عکس نیز با خط خود کلمه «دندان‌ساز» را بالای تصویر هیئت نوشته است. ناصرالدین‌شاه در دیدار با مقامات خارجی و اتباع اروپایی، به دندان‌های آن‌ها توجه ویژه‌ای می‌کرد و پاکیزه و سفید بودن دندان

نخستین دندان‌پزشکی که به ایران آمد

مرضیه‌ترابی‌اناصرالدین‌شاه به سلامتی‌اش اهمیت بسیاری می‌داد. نقل است که تولوزان، طبیب اتریشی شاه قاجار، گفته بود اگر ناصرالدین‌شاه به تیرمیرزا رضای کرمانی مقتول نمی‌شد، عمرش به صد سال می‌رسید، چون از نظر بدنی، بسیار سالم و خوش‌بنیه بود. جالب اینجاست که شاه قاجار در روزگاری به این قضیه اهمیت می‌داد که حتی در اروپا هم برخی از امور درمانی و بهداشتی خیلی جدی گرفته نمی‌شد، به‌ویژه اموری مانند «دندان‌پزشکی». قهرمان میرزا سالور، ملقب به «عین السلطنه»، برادرزاده ناصرالدین‌شاه، در روزنامه خاطراتش آورده است که عمویش در همه عمر هیچ‌گاه دندان درد را تجربه نکرد و این ادعا، ایدازگاف نیست؛ ناصرالدین‌شاه در سفر دوم خود به فرنگ، نخستین دندان‌پزشک را که با علوم نوین تربیت یافته بود، به ایران آورد، دکتر «برتراند باتیست انسگار یوس هیئت»